



پیام به تظاهرات ایرانیان در برلین و استکهلم در سالروز ۳۰ خرداد

۳۱ خرداد ۱۴۰۴

مریم رجوی : جنگ اصلی بین مردم ایران و رژیم آخوندی است

هموطنان، یاران شورشگر و اشرف نشان!

امروز عید مقاومت سراسری است، روز شهدا و زندانیان سیاسی و تشکیل ارتش آزادی بخش ملی. می‌خواهم با جملاتی شروع کنم که ۲۱ سال پیش در پیام به تظاهرات شما در برلین در ۲۲ بهمن ۱۳۸۳، گفتم:

«حرف ما روشن است: مقاومت رهایی بخش مردم ایران باید به رسمیت شناخته شود. ما می‌گوییم نه مماشات و حفظ رژیم آخوندی و نه جنگ». بلکه «راه حل سوم: تغییر توسط مردم و مقاومت ایران». «تغییر دموکراتیک خواست مردم ایران و حکم تاریخ است».

آیا امروز این خواست اکثریت عظیم مردم ایران نیست؟

بارها گفته‌ایم که سیاست مماشات، رژیم آخوندی را در ادامه سیاست‌هایش جری‌تر و جنگ را به کشورهای غربی تحمیل می‌کند و حالا چنین شده، پس باز هم تاکید می‌کنم که لازمه صلح و امنیت در این منطقه، تغییر رژیم به دست مردم و مقاومت ایران است.

ما امروز در آستانه یک تغییر بزرگ هستیم. نه به‌طور خودبه‌خودی و بدون پرداخت قیمت. بلکه با مقاومت سازمان‌یافته. با فدای حداکثر در جنگ اصلی که جنگ بین مردم ایران یعنی جبهه خلق با دیکتاتوری دینی ولایت فقیه است. جنگی که ۴۴ سال از روز ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ تا همین امروز ادامه داشته و تا روز سرنگونی و روز پیروزی ادامه خواهد داشت. حتی بدون یک روز و یک ساعت تعطیل و مرخصی. یک نبرد بی وقفه و بی‌امان.

بعد از آتش بس در جنگ ایران و عراق هم، آشکارا و به صدای بلند می‌گفتیم که جنگ اصلی بین مردم ایران و رژیم خمینی کماکان پابرجا و به قوت خود باقی است و مقاومت برای آزادی ادامه دارد.

حقانیت ۳۰ خرداد سرآغاز مقاومت عادلانه

در ۴۴مین سالگرد قیام ۳۰ خرداد، زمین و زمان گواهی می‌دهد که خطوط و نظرگاهی که ۳۰ خرداد و مقاومت عادلانه از آن برخاست، حق و ضروری بود. چرا؟

چون به‌قول مسعود رجوی مهیب‌ترین نیروی ارتجاعی تاریخ ایران سر برداشته بود و هیولا همه چیز را در کام دیکتاتوری دینی فرو می‌بلعید. مقاومت ما همان یلی بود که تسلیم ارتجاع نشد. فروغ آزادی را شعله‌ور نگه داشت. جام زهر را در جنگ ضدمیهنی به حلقوم خمینی ریخت. و از ۷ خان و ۷۰ خان، عبور کرد. سلام بر عشق‌های شعله‌وری مثل صدیقه و ندا که این روزها سالگرد شهادت آن‌ها هست.

راستی که سرفصل ۳۰ خرداد ۶۰، برای مردم ایران و همه مجاهدان آزادی دو راهی سرنوشت بود. یک طرف تسلیم و انفعال در برابر دیوی که تنوره می‌کشید و آمده بود که ماموریت ناتمام شاه را در سرکوب و دیکتاتوری به اتمام برساند. خمینی خودش صریحا ابراز پشیمانی می‌کرد که چرا از روز اول یعنی همان فردای سقوط شاه چوبه‌های دار برپا نکرده است.

طرف دیگر اما، مقاومت برای آزادی و «نه» گفتن به تسلیم بود. سر خم قدغن.

ما مقاومت تمام عیار و «سر نهادن به پای آزادی» را برگزیدیم. جرم من و شما و همه ما همین است. همه شیطان‌سازی‌ها به‌همین خاطر است.

به‌همین خاطر آخوند-قاضی دادگاه ۱۰۴ نفر هنوز بعد از ۴۴ سال می‌گوید: «از این پس چنان‌چه ایرانیان مقیم خارج از کشور به دعوت متهمین یا سازمان متهم این پرونده در هر کجای دنیا ... میتینگی تشکیل دهند و حاضر شوند ... به معنای هواداری از تشکیلات سازمان مجاهدین خلق، قابل تعقیب در این دادگاه می‌باشند ... و دادگاه مکلف به اقدام قانونی است».

ما هم کماکان مانند فردای ۱۷ ژوئن بعد از آزادی از زندان تکرار می‌کنیم که: «اگر مقاومت برای آزادی گناه است، ما به این گناه بزرگ افتخار می‌کنیم. به زندان رفتن به خاطر آزادی افتخار می‌کنیم و به شهادت برای آزادی افتخار می‌کنیم».

تغییر و انقلاب چیزی نیست که بتوان جلوی آن را گرفت

آن‌هایی که همین رژیم را ترجیح می‌دهند، می‌گویند آلترناتیوی وجود ندارد و طبعا در همین چارچوب از به‌رسمیت شناختن مقاومت ایران هم روی بر می‌تابند.

مقاومتی که برنامه و سابقه و عملکرد ۴۴ ساله آن بر کسی پوشیده نیست. بهایی که پرداخته هم، بر کسی پوشیده نیست. به‌راستی که بزرگترین، طولانی‌ترین، بغرنج‌ترین و خونین‌ترین مقاومت سازمان‌یافته تاریخ ایران بوده و هست با چراغ راهنمای «نه شاه، نه شیخ».

اما به‌نظر می‌رسد برخی تا خودشان آلترناتیوی نسازند و آن را دیکته نکنند، هرگز قبول نخواهند کرد

که کشور ما هم با فرزندان رشیدش و با مردم ستمدیده‌اش آلترناتیوی دموکراتیک و مستقل با ساختاری مستحکم و آبدیده، از آن خود دارد. کیست که نداند آلترناتیوی که به‌طور مصنوعی ساخته و دیکته شود، حاصلی جز دیکتاتوری ندارد.

یک لحظه فکر کنید که اگر ۱۰۰ سال پیش ژنرال آبرونساید برایمان از طایفه قزاقان شاه نمی‌ساخت، اگر در شهریور ۱۳۲۰ متفقین به جای پسر شاه مخلوع، به دموکراسی و جمهوری برای ایران رضایت می‌دادند، اگر در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دکتر مصدق آن همه شیطان‌سازی نمی‌شد و سپس آمریکا و انگلستان کودتا نمی‌کردند، و سرانجام اگر شاه، بنیانگذاران مجاهدین و چریک‌های فدایی را تیرباران و بقیه را در بند نمی‌کرد، راستی آیا خمینی می‌توانست تمامی قدرت را به‌چنگ بیاورد و رهبری انقلاب ضدسلطنتی را برپاید؟ هرگز! یک لحظه هم فکر کنید که اگر در ۴۶ سال گذشته سیاست مماشات به‌طور همه جانبه علیه ما و ملت ما کار نمی‌کرد امروز ایران و منطقه خاورمیانه چه تفاوتی داشت؟

بله، تغییر و انقلاب چیزی نیست که بتوان جلوی آن را گرفت. آزادی و رای و انتخابات آزاد خواست خروشان مردم ایران از انقلاب مشروطه تا امروز است و البته که مردم ایران به آن خواهند رسید.

با همت و مبارزه مجاهدان اشرف ۳، شما اشرف‌نشان‌ها، و دلیران کانون‌های شورشی و خلق محبوب‌تان. ما برای سرنگونی رژیم و برقراری یک جمهوری دموکراتیک، غیراتمی، با جدایی دین از دولت، برابری زن و مرد، حقوق ملیت‌ها، یک قضائیه مستقل و لغو حکم اعدام به‌پاخاسته‌ایم. برای یک نظام کثرت‌گرا که مدافع صلح در خاورمیانه است.

ما از روز اول رودر روی زن‌ستیزی خمینی و خامنه‌ای و هرگونه اجبار قیام کردیم و فریاد زدیم:

نه به حجاب اجباری، نه به دین اجباری و نه به حکومت اجباری .

آری انقلاب دموکراتیک مردم ایران پیروز می‌شود.

سلام بر مردم ایران، سلام بر آزادی